

زیر نور صحنه

آونگی در گردش ابدی میان در و دو ملال

آینا قطب‌ی یعقوبی

■ هیچ کس کاری نمی‌کند. همه فلسفه می‌یافتد و عقایدشان را بیان می‌کنند. (بخشی از دیالوگ آرکادینا در نمایشنامه مرغ دریایی)

مرغ دریایی داستان زوال آدمی و رویش مداوم ملال در روزمرگی زندگی خاکستری مردمانی است که به آغوش اوهام و خیالات پناه برده و دست از عمل شسته‌اند. چخوف در این نمایشنامه مردمانی را به تصویر می‌کشد که چنان به خود-واوهام و رویاهایشان پناهنده شده‌اند که نه فرصتی برای شنیدن دیگری دارند و نه حتی مجالی برای عمل به همان رویاها و پریشان باقی مانده است. آدم‌هایی که جنگیدن برای رویای فردیشان را فراموش کرده و تسلیم لحظه‌های ملال آور و نکت‌بنیار زندگی خویش گشته‌اند. مردمانی که همگی می‌دانند که در گردش زندگی بسیار باخته‌اند، اما پذیرش این جایگاه بازنده هیچ تغییری در زندگی و عملکردشان نمی‌دهد. آنها به هیچ کجا نمی‌روند و سر فرود آوردنشان در برابر شکوه هول انگیز ملال، آنها را به انهدام و اضمحلالی تدریجی کشانده‌است.

نمایش، داستان ده شخصیت است که در هر صحنه با رویا، عشق، سرخوردگی و ملالشان ما را به ضیافت خویش و زیستن اندوهناک‌شان می‌برند. آنها خودشان را راویست و قضاوت می‌کنند. حرف می‌زنند، حرف می‌زنند و حرف می‌زنند و کلامشان بیش از آنکه مبین جریانِ پویا و گفتمانی باشد به متولوگ‌هایی شخصی می‌ماند که هیچ تأثیری در مخاطب روبه‌رویشان ندارد. آنها حرف می‌زنند که گفته باشند که کلمه را رها کرده باشند، شاید که از نفرین معنای پس کلمات نجات یابند. اما مخاطبشان حتی گوش‌ی برای شنیدن آنها ندارد چرا که او نیز تنها می‌گوید تا رها شود. مرغ دریایی طرح داستانی محکم و مشخصی ندارد و نمایشنامه‌ای است کاملاً کاراکتر محور که همه حرکت و پویایی و اکت‌نمایشی خود را مدیون و مه‌رون پر سوزنازها و دیالوگ‌های به شدت زنده و قوی خود است. این اثر را شاید بتوان یکی از امپرسیونیستی‌ترین آثار نمایشی چخوف دانست. نمایشی لحظه‌ای از آدم‌هایی خاکستری، تابلوهایی پیاپی از هویت‌های در حال فرسایش با رنگ غالب خاکستری و بسوی ماندگی و فرسودگی. مرغ دریایی یکی از بحث‌برانگیزترین آثار نمایشی چخوف محسوب می‌شود. عده‌ای آن را ادعایان‌های در باب هنر می‌دانند و گروهی، نمایشی درباره عشق‌های شکست‌خورده و گروهی دیگر نیز تکیه اصلی نمایش را بر آدمی و جوابی نام‌و شهرت و ماندگاری او می‌پندارد. اما در تگامی کلا تر مرغ دریایی همه اینها هست و در عین حال هیچ کدام آنها نیست کمپوزیسیونی باشکوه از هر سه اینها که در لایه‌های زیرین تر خود معناها و مفاهیم بسیار گسترده‌تری چون اضمحلال اشراقیت، خودخواهی آدمی، سادست و حسرت و... را نیز به تصویر می‌کشد.

از میان تمامی این مفاهیم اما عشق، شهرت و لزوم نوآوری در هنر از باقی، پررنگ‌ترند. مرغ دریایی آشکارا از عشق و نیروی فرساینده و پراکنگر آن سخن می‌گوید. هفت رابطه عشقی یک‌جانبه در این اثر تمامی معادلات انسانی طرفین خود را به‌هم ریخته‌اند. آدم‌هایی که عاشق در حالی که معشوقشان عاشق دیگری است که خود عاشق دیگری است و این مراتب سلسله‌ها همه را ناکام و ویران ساخته و ملال را بر زندگی همه پر سوزنازها حاکم کرده است. عشاق نمایش هیچ دستاوردی جز رنج ندارند. چون محکومانی نفرینی، ناگزیرند تا در کنار معشوق خود روزگار گزرانده و شاهد عشق ناکام همان معشوق به معشوقی دیگر باشند. آنها محکومند که هر روز عاشقانه‌های معشوق خود را ببینند، عاشقانه‌هایی برای دیگری. چخوف در مرغ دریایی هنر را به نوعی به یکی از مضامین اصلی انرش بدل می‌کند و با این مستحکم دست به نقد هنر زن، از نوم تغییر و تحول می‌گوید. شاید به همین علت بسیاری آن را مانیفست هنری چخوف می‌دانند. آدم‌های این نمایش با بازیگر و نویسندگان یا در آرزوی بازیگر و نویسندگان و غیر از این‌دو گروه، باقی افراد همگی مخاطبان پروپا قرص تئاتر و ادیبانند و به فراخور حال با شیفته‌اند یا منتقد. تمامی وقایع نمایشنامه از عشق‌ها و نفرت‌ها گرفته تا جنگ و جدال بر سر هنر، در بستری از هنر شکل می‌گیرد. هنری کههنه که همچون نارون‌های غلیظ می‌اغ که جز کنده‌ای از آنها نمانده، سقوط کرده و مضمحل شده است. چخوف به هنر مبتذل تکراری و مسلط و اخلاق‌گریز متوسط آن می‌تازد و از هنری نو و آوانگارد که نشأت گرفته از رویاهای آدمی است، سخن به میان می‌آورد. مرغ دریایی داستان اضمحلال طبیعت انسان در چرخه مدنیت بورژوازی است. داستان آدم‌هایی خیالی‌اف که در خوت و رکود و ملال غرق شده‌اند. آدم‌هایی که فکر می‌کنند همه زندگیشان را به نظر من یک چیز تزئینی است و قابل فهم نیست. این باید تغییر کند. از این طراحی مرغ دریایی با دایی و انیا و هر دو این دو با نگاهی که در اصل اثر بوده مطلع هستم. اتفاقی که افتاد این بود که درست است که تمرین‌های دو نمایش را نزدیک به هم شروع کردم اما به جرأت می‌توانم بگویم که در دایی و انیا ادبیات صحنه‌ای من در حال تغییر است.

این تفاوت دید در دو اجرا کاملاً هم مشخص است.

بله، خیلی متفاوت است. بسا اینکه این دو کار با هم و

هم‌زمان در حال اجراست اما از این کار تا آن کار حال و

هوای خودم هم تفاوت زیادی دارد. نگاه به صحنام فرق

دارد و یک جورایی دایی و انیا یکی از اجراهای شاخص

برای در ک حال و هوای من است.

حسن معجون، کارگردان دایی و انیا و مرغ دریایی

بی‌پروا تر شدم

فرزانه ابراهیم زاده

این فاصله چطور اتفاق افتاده است؟ حتی به نسبت مرغ دریایی هم متفاوت است.

در دایی و انیا دارم بی پروا تر بخورد می‌کنم. هنوز صحنه می‌زناسن‌هم در مرغ دریایی ادامه کارهایی است که در قبل داشتم و محافظه کار هستم و مثل یک مشت روبل این محافظه کاری در کار دیده می‌شود. اما در دایی و انیا این محافظه کاری نیست و یک مرکزیتی که در کارهایم وجود داشت فروپاشیده است.

این به عمد اتفاق افتاده و خود خواسته است یا نه؟

هیچ لزومی نمی‌بینم همه اجراهایی که از چخوف روی صحنه می‌آورم شبیه هم باشند. به متنی از چخوف حال و هوای خودش را دارد و ممکن است تأثیر خاصی روی من داشته باشند. خیلی مقید به یک فضای خاص نیستم که دستورالعمل داشته باشم که در اجراهای چخوفم به کار ببندم. هر روز که می‌گذرد در من هم اتفاقاتی رخ می‌دهد و این در اجراهای من نشان داده می‌شود.

از بدو رو د به صحنه دایی و انیا در دکور با یک فضای غیرمتعارف روبه‌رو هستیم. دکوری که ثابت است و همه نمایش در آن فضا رخ می‌دهد. فضا برای من تماشاگر ایرانی خیلی آشنا بود. مثل آثار ایرانی بود که قبل از این دیده‌بودم. آمده بودم یک اجرای چخوف را ببینم اما آلمان‌های صحنه آشنا نبود. قوری‌های ناصرالدین شاهی، لباس آدم‌ها که امروزی نشده

آداپته شده بودند با فضایی صحنه‌ای که قرار است در ایران اجرا شود. فقط اسم آدم‌ها بود که می‌گفت این نمایش روسی است و البته نمایشی از چخوف.

بله. ما باید فضای کار را با آلمان‌های خودمان بسنجیم. من اصلاً ایرانی نمی‌بینم که شما یک کار فرنگی را با آلمان‌های ایرانی آشنا روی صحنه بیاورید.

منم ایرانی نمی‌دیدم، گفتم خیلی آشنا بود فضای کار. با اینکه او این مواجهه شما با آن است که قرار است یک کار چخوف را ببیند اما در آلمان‌های ایرانی را نگاه می‌کند.

کمی فکر می‌کنم اجراهای قبلی از چخوف در ایران شبیه تله تئاترهای فرنگی هستند که در تلویزیون پخش می‌شده و می‌شود. این اصرار دوستان را نمی‌فهمم که چرا باید در کاری که از چخوف به صحنه می‌آوریم حتماً شبیه اجرایی باشد که او نوشته. من اصلاً کاری از چخوف را می‌بینم برای اینکه ببینم کارگردان چه چیزهایی به این متن اضافه کرده است. چرا فکر می‌کنیم باید بتغییر از ما دور باشد که ما آن را بفهمیم. مگر ما افعای می‌توانیم بفهمیم اینها را؟ بعضی از مفاهیم اتفاقات فرهنگی است. مثلاً اینکه بگویم مفهوم مثل انتظار نمی‌تواند در همه فرهنگ‌ها یک اتفاق واحد را داشته باشد. درک واحدی وجود ندارد. در هر فرهنگی نسبت به سابقه آن اتفاق با هم فرق می‌کند. فکر می‌کنم متن‌های چخوف یک متنی است که در زمان خودش نوشته شده و به زمان ما رسیده و ما تر جمه شده‌اش را می‌خوانیم. خوشبختانه تر جمه‌های متفاوتی از کارهای تئاتری وجود دارد که ما آنها را می‌خوانیم اما متأسفانه تر جمه خوب کمتری پیدا می‌کنیم. چه اتفاقی که از بین این تر جمه‌ها یکی خوب و قابل فهم می‌شود و به دل می‌نشیند؟ به نظر من صرفاً

تفهم کردن کلمه نیست؛ تر جمه

کردن فرهنگ است. به نظر من ترجمه اولین اتفاق در مائوژی است که در رخ می‌هد. بعداً ما مفاهیم دیگر را به آنها اضافه می‌کنیم و ادامه می‌دهیم تا جایی که آلمان‌هایی که مخصوص خودمان هست را به آن اضافه کنیم. حتی صنعت ادبی که مال زمان و بسک خودشان هست را حذف می‌کنیم چرا که ارجاعات زمان خودشان را دارند و برای ما شناخته شده و قابل تغییر نیست. پس اینها می‌توانند حذف و به جایشان موضوعات تازه‌ای جایگزین شود. دست ما برای این اتفاق باز است.

همه آدم‌های این نمایش به غیر از یکی آدم‌های

ملوس هستند. یعنی شخصیت دکتر خیلی آشنا هستند. دایی و انیا و سونیا شخصیت‌های چخوف

هست ولی از ما دور نیستند. یعنی از همه لحاظ برای ذهن من به عنوان یک تماشاگر ایرانی آشنا بودند. شخصیت تلگین با آن موبایل شبیه آدم‌های باری به

هر جعتی بود که معادلشان را زیاد می‌بینیم و ملوس است. به خصوص که در اصل متن به جای این موبایل

چطور به این دو اجرای متفاوت رسیدید. دکور هر دو کار به خصوص دایی و انیا نسبت به اجراهایی که از این کار و کارهای دیگر چخوف دیدم بسیار متفاوت بود و بسیار دور از فضای روسیه در آغاز قرن ۱۹.

اصلاً برای اجرای هیچ کدام از نمایش‌هایم به دنبال بازسازی فضای روسی نبودم. اصلاً نگه داشتم ملاکم نبود چون گمان می‌کنم به نوعی تر جمه فضایی است که چخوف در کارش توصیف کرده است. در حقیقت تر جمه شروع آن اتفاقی است که می‌افتد. یعنی ما وقتی کاری از چخوف را روی صحنه می‌بریم فضا را هم تر جمه می‌کنیم. اصلاً به نظر من نیازی نیست که در هیچ اجرای فرنگی دقیقاً اجرا شبیه همان فضایی باشد که در آن رخ داده است و حال و هوا و مختصات جغرافیایی اصل اثر را داشته باشد.

به نظر من یک چیز تزئینی است و قابل فهم نیست. این باید تغییر کند. از این طراحی مرغ دریایی با دایی و انیا و هر دو این دو با نگاهی که در اصل اثر بوده مطلع هستم. اتفاقی که

افتاد این بود که درست است که تمرین‌های دو نمایش را نزدیک به هم شروع کردم اما به جرأت می‌توانم بگویم که در دایی و انیا ادبیات صحنه‌ای من در حال تغییر است.

این تفاوت دید در دو اجرا کاملاً هم مشخص است.

بله، خیلی متفاوت است. بسا اینکه این دو کار با هم و

هم‌زمان در حال اجراست اما از این کار تا آن کار حال و

هوای خودم هم تفاوت زیادی دارد. نگاه به صحنام فرق

دارد و یک جورایی دایی و انیا یکی از اجراهای شاخص

برای در ک حال و هوای من است.



عکس:ها.مهجی حسینی

تماشاخانه

پیام‌روز جهانی تئاتر ۲۰۱۱

تئاتر ابزار صلح

■ «تاکنون تصور کرده‌اید که تئاتر تاجه اندازه می‌تواند ابزاری قدرتمند برای صلح و آشتی باشد؟ در موقعیتی که ملت‌های جهان مبالغه‌گفتنی پوئل برای ماموریت‌های صلح طلبانه در سرزمین‌های درگیر جنگ صرف می‌کنند، به تئاتر به عنوان راه حلی دیگر و جایگزینی مناسب در راه حل و مدیریت مناقشات توجه چندانی نمی‌شود. ساکنان این کسره خاکی چگونه می‌توانند به صلح جهانی دست یابند؟ حال آنکه ابزار برقراری صلح از سوی قدرت‌های سلطه‌جو طرح می‌شود.»

این بخشی از پیام جسیکا کاوا، نویسنده، بازیگر، کارگردان و استاد اوگاندایی تئاتر است که امسال قرع پیام روز جهانی تئاتر به نامش خورد.

شهرت جسیکا کاوا در عرصه بین‌المللی نه به دلیل داشتن مدرک دکتر در رشته تئاتر و انجام پژوهش‌های بسیار در این زمینه، بلکه به دلیل فعالیت‌های بشردوستانه او بود که نامش را در کنار بزرگانی چون ژان کوکتو، رتور میلر، ادوارد آلبی و آگستوبال گذاشت که در روز جهانی تئاتر برای اهالی این رشته از این هنر فرهیخته می‌گویند.

از سال ۱۹۶۱ و به پیشنهاد انسیتیب بین‌المللی تئاتر (ITI)، سالانه روز جهانی تئاتر در تاریخ ۲۷ مارس جشن گرفته می‌شود. پیام سالانه این روز هر سال توسط یکی از صاحبزنان و هنرمندان عرصه تئاتر نوشته می‌شود و به تأثیر و تقابل تئاتر در عرصه بین‌المللی اختصاص دارد.

جسیکا کاوا استاد دانشگاه مکر در کشور اوگانداست. او دکترای خود را در رشته تاریخ تئاتر در سال ۲۰۰۱ از دانشگاه مرلند آمریکا دریافت کرد. کاوا تاکنون جوایز بسیاری را به دلیل استفاده از تئاتر و رسانه در حل نزاعات منطقه‌ای و ارتقای سطح سلامت دریافت کرده است.

او در پیام خود با اشاره به اینکه دهه‌های امروز بازتابی حقیقی از قدرت باقوه و بی‌پایان تئاتر در راه بسیج کردن جوامع بشری و از میان برداشتن فاصله‌هاست؛ گفته: «تئاتر با ظرافتی هر چه تمام‌تر روح انسان دربند ترس و بدگمانی را در برمی‌گیرد و در این راه، از انسان تصویر دیگری می‌سازد و برای جامعه و همچنین جوامع بشری پنجره‌ای باز می‌کند به روی افق‌ها و انتخاب‌های تازه. تئاتر می‌تواند به وقایع روزمره معنا دهد و آینده نامطمئن پیش‌رو را محکم سازد. تئاتر می‌تواند صریح و ساده در معادلات دنیای امروز جای گیرد و به خاطر این طبیعت در برگیرنده قادر است تجربه‌ای رای‌یه دهد که در آن هیچ‌فهمی‌های گذشته تغییر نیافته باشند.»

به اعتقاد این هنرمند اوگاندایی: «علاوه بر همه اینها، تئاتر وسیله‌ای است برای تبلیغ و پیشبرد



ارزش‌های جمعی که همه ما به آنها اعتقاد داریم و اگر روزی مورد تعرض واقع شود داوطلبانه به دفاع از آن برمی‌خیزیم.»

کاوا با اشاره به وقایعی که در اطراف جهان به ویژه خاورمیانه روی داده است، تئاتر را مجالی مناسب برای صلح می‌داند: «در این زمان پر مخاطره برای صلح، برای اینکه به پیشواز آینده‌ای ملموز آشتی برویم باید مسیر را با ابزارهای صلح‌آمیزی آغاز کنیم که در پی هر یک متقابل و احترام باشند و تلاش‌های تک‌تک افراد در این راه راج نهند و تئاتر همان زبان بین‌المللی است که به وسیله آن می‌توانیم پیام صلح و آشتی را گسترش دهیم.»

او تأثیر را به عنوان زبانی بین‌المللی تعریف کرد که ما می‌توانیم توسط آن پیام صلح و آشتی را منتشر کنیم و اعطای شانس حیات دوباره و امکان انتخاب‌های دیگر به انسان برای کشف مجدد و فهم و واقعیت‌ها را از دیگر توانایی‌های این هنر پیشرو دانست.

جسیکا کاوا از همه اهالی تئاتر خواست به این چشم‌انداز بیشتر فکر کنند و تئاتر را در استفاده به عنوان وسیله‌ای جهانی برای گفت‌وگو و تغییر و تحول اجتماعی به کار برند: «در حالی که سازمان ملل منابع مالی هنگفتی را برای ایجاد صلح بر کره زمین صرف می‌کند، تئاتر راهحلی بی‌واسطه، انسانی، کم‌هزینه و به مراتب تأثیرگذار تر ارایه می‌کند. شاید تئاتر تنها راه حل برای ایجاد صلح نباشد اما به هر حال باید به عنوان ابزاری اثری موثر در برنامه‌های برقراری صلح به کار گرفته شود.»

جفری رایت، هنرمند آمریکایی نیز در آستانه روز جهانی تئاتر در پیامی با عنوان «هنر گوش دادن» به تئاتر ی‌های جهان گفت: «تئاتر شکل بخشیدن مجدد به واقعیت است و این هنر می‌تواند به عنوان هنری نشاط‌آفرین در مواجهه با چالش‌های معاصر دیده شود.» رایت هم با اشاره به وقایع تاسف‌بار جهان نوشت: «دعا کنید مردم ژاپن، هائیتی، شمال آفریقا، خاورمیانه و هر جا که امروزه رنج و دردی وجود دارد، بتوانند توان بازآفرینی مجدد واقعیت را به دست آورند.» جفری رایت با اشاره به توان تئاتر در توان بخشی به مردم ملل فقیر، علاوه بر توسعه اقتصادی که به عنوان ویژگی برای این هنر لحاظ کرد، گفت: باید به کارگیری تئاتر در این جوامع، پیشرفت‌ها سریع تر میسر می‌شود و رویدادهای اجتماعی قابل توجهی رخ خواهد داد.

جسک کاوا از همه اهالی تئاتر خواست به این چشم‌انداز بیشتر فکر کنند و تئاتر را در استفاده به عنوان وسیله‌ای جهانی برای گفت‌وگو و تغییر و تحول اجتماعی به کار برند: «در حالی که سازمان ملل منابع مالی هنگفتی را برای ایجاد صلح بر کره زمین صرف می‌کند، تئاتر راهحلی بی‌واسطه، انسانی، کم‌هزینه و به مراتب تأثیرگذار تر ارایه می‌کند. شاید تئاتر تنها راه حل برای ایجاد صلح نباشد اما به هر حال باید به عنوان ابزاری اثری موثر در برنامه‌های برقراری صلح به کار گرفته شود.»

جفری رایت، هنرمند آمریکایی نیز در آستانه روز جهانی تئاتر در پیامی با عنوان «هنر گوش دادن»

به تئاتر ی‌های جهان گفت: «تئاتر شکل بخشیدن مجدد به واقعیت است و این هنر می‌تواند به عنوان هنری نشاط‌آفرین در مواجهه با چالش‌های معاصر دیده شود.» رایت هم با اشاره به وقایع تاسف‌بار

جهان نوشت: «دعا کنید مردم ژاپن، هائیتی، شمال آفریقا، خاورمیانه و هر جا که امروزه رنج و دردی

وجود دارد، بتوانند توان بازآفرینی مجدد واقعیت را

به دست آورند.» جفری رایت با اشاره به توان تئاتر

در توان بخشی به مردم ملل فقیر، علاوه بر توسعه

اقتصادی که به عنوان ویژگی برای این هنر لحاظ

کرد، گفت: باید به کارگیری تئاتر در این جوامع،

پیشرفت‌ها سریع تر میسر می‌شود و رویدادهای

اجتماعی قابل توجهی رخ خواهد داد.

جسک کاوا از همه اهالی تئاتر خواست به این چشم‌انداز بیشتر فکر کنند و تئاتر را در استفاده

به عنوان وسیله‌ای جهانی برای گفت‌وگو و تغییر و

تحول اجتماعی به کار برند: «در حالی که سازمان

ملل منابع مالی هنگفتی را برای ایجاد صلح بر کره زمین

صرف می‌کند، تئاتر راهحلی بی‌واسطه، انسانی، کم‌هزینه و

به مراتب تأثیرگذار تر ارایه می‌کند. شاید تئاتر تنها راه حل برای ایجاد صلح

نباشد اما به هر حال باید به عنوان ابزاری اثری موثر در

برنامه‌های برقراری صلح به کار گرفته شود.»

جفری رایت، هنرمند آمریکایی نیز در آستانه روز

جهانی تئاتر در پیامی با عنوان «هنر گوش دادن»

به تئاتر ی‌های جهان گفت: «تئاتر شکل بخشیدن

مجدد به واقعیت است و این هنر می‌تواند به عنوان هنری

نشاط‌آفرین در مواجهه با چالش‌های معاصر دیده شود.»

رایت هم با اشاره به وقایع تاسف‌بار جهان نوشت: «دعا

کنید مردم ژاپن، هائیتی، شمال آفریقا، خاورمیانه و هر جا

که امروزه رنج و دردی وجود دارد، بتوانند توان بازآفرینی

مجدد واقعیت را به دست آورند.» جفری رایت با اشاره به توان

تئاتر در توان بخشی به مردم ملل فقیر، علاوه بر توسعه

اقتصادی که به عنوان ویژگی برای این هنر لحاظ

کرد، گفت: باید به کارگیری تئاتر در این جوامع،

پیشرفت‌ها سریع تر میسر می‌شود و رویدادهای

اجتماعی قابل توجهی رخ خواهد داد.

جسک کاوا از همه اهالی تئاتر خواست به این چشم‌انداز

بیشتر فکر کنند و تئاتر را در استفاده به عنوان وسیله‌ای

جهانی برای گفت‌وگو و تغییر و تحول اجتماعی به کار

برند: «در حالی که سازمان ملل منابع مالی هنگفتی را برای

ایجاد صلح بر کره زمین صرف می‌کند، تئاتر راهحلی بی‌واسطه،

انسانی، کم‌هزینه و به مراتب تأثیرگذار تر ارایه می‌کند.

شاید تئاتر تنها راه حل برای ایجاد صلح نباشد اما به هر

حال باید به عنوان ابزاری اثری موثر در برنامه‌های برقراری

صلح به کار گرفته شود.»

جفری رایت، هنرمند آمریکایی نیز در آستانه روز جهانی

تئاتر در پیامی با عنوان «هنر گوش دادن» به تئاتر ی‌های

جهان گفت: «تئاتر شکل بخشیدن مجدد به واقعیت است و

این هنر می‌تواند به عنوان هنری نشاط‌آفرین در مواجهه با

چالش‌های معاصر دیده شود.» رایت هم با اشاره به وقایع

تاسف‌بار جهان نوشت: «دعا کنید مردم ژاپن، هائیتی، شمال

آفریقا، خاورمیانه و هر جا که امروزه رنج و دردی وجود دارد،

توانند توان بازآفرینی مجدد واقعیت را به دست آورند.»

جفری رایت با اشاره به توان تئاتر در توان بخشی به مردم

ملل فقیر، علاوه بر توسعه اقتصادی که به عنوان ویژگی

برای این هنر لحاظ کرد، گفت: باید به کارگیری تئاتر در این

جوامع، پیشرفت‌ها سریع تر میسر می‌شود و رویدادهای

اجتماعی قابل توجهی رخ خواهد داد.

جسک کاوا از همه اهالی تئاتر خواست به این چشم‌انداز

بیشتر فکر کنند و تئاتر را در استفاده به عنوان وسیله‌ای

جهانی برای گفت‌وگو و تغییر و تحول اجتماعی به کار

برند: «در حالی که سازمان ملل منابع مالی هنگفتی را برای

ایجاد صلح بر کره زمین صرف می‌کند، تئاتر راهحلی بی‌واسطه،

انسانی، کم‌هزینه و به مراتب تأثیرگذار تر ارایه می‌کند.

شاید تئاتر تنها راه حل برای ایجاد صلح نباشد اما به هر

حال باید به عنوان ابزاری اثری موثر در برنامه‌های برقراری

صلح به کار گرفته شود.»

جفری رایت، هنرمند آمریکایی نیز در آستانه روز جهانی

تئاتر در پیامی با عنوان «هنر گوش دادن» به تئاتر ی‌های

جهان گفت: «تئاتر شکل بخشیدن مجدد به واقعیت است و

این هنر می‌تواند به عنوان هنری نشاط‌آفرین در مواجهه با

چالش‌های معاصر دیده شود.» رایت هم با اشاره به وقایع

تاسف‌بار جهان نوشت: «دعا کنید مردم ژاپن، هائیتی، شمال

آفریقا، خاورمیانه و هر جا که امروزه رنج و دردی وجود دارد،

توانند توان بازآفرینی مجدد واقعیت را به دست آورند.»

جفری رایت با اشاره به توان تئاتر در توان بخشی به مردم

ملل فقیر، علاوه بر توسعه اقتصادی که به عنوان ویژگی

برای این هنر لحاظ کرد، گفت: باید به کارگیری تئاتر در این

جوامع، پیشرفت‌ها سریع تر میسر می‌شود و رویدادهای

اجتماعی قابل توجهی رخ خواهد داد.

جسک کاوا از همه اهالی تئاتر خواست به این چشم‌انداز

بیشتر فکر کنند و تئاتر را در استفاده به عنوان وسیله‌ای

جهانی برای گفت‌وگو و تغییر و تحول اجتماعی به کار

برند: «در حالی که سازمان ملل منابع مالی هنگفتی را برای

ایجاد صلح بر کره زمین صرف می‌کند، تئاتر راهحلی بی‌واسطه،

انسانی، کم‌هزینه و به مراتب تأثیرگذار تر ارایه می‌کند.

شاید تئاتر تنها راه حل برای ایجاد صلح نباشد اما به هر

حال باید به عنوان ابزاری اثری موثر در برنامه‌های برقراری

صلح به کار گرفته شود.»

جفری رایت، هنرمند آمریکایی نیز در آستانه روز جهانی

تئاتر در پیامی با عنوان «هنر گوش دادن» به تئاتر ی‌های

جهان گفت: «تئاتر شکل بخشیدن مجدد به واقعیت است و

این هنر می‌تواند به عنوان هنری نشاط‌آفرین در مواجهه با

چالش‌های معاصر دیده شود.» رایت هم با اشاره به وقایع

تاسف‌بار جهان نوشت: «دعا کنید مردم ژاپن، هائیتی، شمال

آفریقا، خاورمیانه و هر جا که امروزه رنج و دردی وجود دارد،

توانند توان بازآفرینی مجدد واقعیت را به دست آورند.»

جفری رایت با اشاره به توان تئاتر در توان بخشی به مردم

ملل فقیر، علاوه بر توسعه اقتصادی که به عنوان ویژگی